

چشم‌انداز مدیریت دولتی

سال نهم، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۹۷

شاپای چاپی: ۶۰۶۹-۲۲۵۱، شاپای الکترونیکی: ۴۱۵۷-۲۶۴۵

ص ص ۱۳۹ - ۱۵۷

کاوشی در روش اجتهادی و کاربرست آن در مدیریت اسلامی

محسن منطقی^{*۱}

۱. استادیار، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم.

چکیده

در سالیان اخیر برخی از اندیشمندان مدیریت اسلامی در آثار خود، خواهان استفاده از روش اجتهاد هستند. در این پژوهش تلاش می‌شود، تصویر جامعی از مفهوم اجتهاد و به‌کارگیری آن به‌عنوان یک روش پژوهش، در دانش مدیریت ارائه شود. روش اجتهاد در مدیریت اسلامی با تکیه بر دو دسته منابع علمی، یعنی منابع درون‌دینی و منابع برون‌دینی، کاربرستی را فراهم ساخته است که در عین استفاده از دانش روز در حوزه مدیریت، از منابع ارزشمند دینی نیز برای اعتلای دانش مدیریت استفاده شود. بر اساس این روش، یک فرآیند نُه‌مرحله‌ای برای استنباط مدیریت اسلامی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: روش اجتهادی؛ مدیریت اسلامی؛ منابع درون دینی؛ منابع برون دینی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۰۵، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۵/۰۷.

* نویسنده مسئول.

E-mail address: manteghi@iki.ac.ir

۱. مقدمه

جامعه اسلامی برای اداره بهتر خود نیازمند سامان‌یافتن امور بر اساس آموزه‌های اسلامی است. عمل بر اساس دستورات اسلامی می‌تواند وعده سعادت‌یافتن جامعه را محقق کند؛ از این رو پژوهشگران اسلامی در همه رشته‌ها تلاش دارند که توصیه‌های اسلامی را استخراج کنند و به کار گیرند. اندیشمندان مدیریت اسلامی نیز با کنکاش علمی، آموزه‌های اسلامی در خصوص مدیریت و سازمان را استخراج می‌کنند و با به‌کارگیری آن، زمینه‌بستگی سازمان‌های اسلامی را فراهم می‌سازند؛ اما سؤال اصلی در پیش روی اندیشمندان مدیریت اسلامی این است که چگونه می‌توان آموزه‌های مدیریت اسلامی را استنباط کرد؟ به عبارت دیگر روش پژوهش برای استخراج آموزه‌های مدیریت اسلامی چگونه است؟ بررسی روش استنباط دینی در مدیریت و سازمان، دغدغه اصلی این مطالعه است و تلاش می‌شود این موضوع به صورت مختصر و مفید مورد توجه قرار گیرد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

این مطالعه با بررسی روش و روش‌شناسی، آغاز می‌شود و سپس روش اجتهاد و کارکرد آن در حوزه مدیریت اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۳. روش‌شناسی

دو واژه «روش» و «روش‌شناسی» دارای معانی متفاوتی هستند. «روش» در اصطلاح به معنای شیوه استدلال‌هایی است که یک پژوهشگر به کار می‌گیرد یا در یک علم حاکم است. بر اساس روش، پژوهشگران می‌توانند ابهام‌های خود را شناسایی کنند؛ زیرا بیان‌کننده مسیر و اسلوبی است که استدلال‌های به‌کاررفته در یک دانش در آن قرار دارد. روش، مجموعه ابزارهای شناختی نظام‌مندی است که افراد برای شناخت بهتر جهان پیرامونی و کشف مجهولات خود به کار می‌گیرند (فولادی، ۱۳۶۲)؛ بنابراین هیچ علمی فاقد روش نیست و روش پژوهش در بسامان‌رساندن پژوهش‌ها امری ضروری است. با بررسی مفهوم روش، مفهوم روش‌شناسی، بهتر نمایان می‌شود؛ زیرا روش‌شناسی یعنی آگاهی‌دادن به مسیر پژوهش. روش‌شناسی مسیری است برای حل نظام‌مند مسئله پژوهش؛ درحقیقت علم مطالعه چگونگی انجام علمی پژوهش است (عزیزی، ۱۳۹۵).

هنگام شناسایی دیدگاه یک مکتب و آیین، همانند اسلام، روش پژوهش در آن باید به گونه‌ای باشد که بتواند به کشف حقایق آن دین منجر شود و یافته‌های پژوهش به تأیید برسد؛ از این رو نمی‌توان هر یافته‌ای را به اسلام نسبت داد و آن را اسلامی دانست؛ بلکه روش‌هایی باید

به کار گرفته شود که توان استنباط آموزه‌های اسلامی را داشته باشد. پژوهشگران مدیریت اسلامی نیز درصددند که با روش‌شناسی مناسب، روش‌های قابل‌پذیرش در نزد اسلام و اندیشمندان اسلامی را شناسایی کنند و به کار گیرند.

روش اجتهاد دینی. در مطالعات دینی مشهورترین و مقبول‌ترین روش را «اجتهاد» می‌نامند. در روش اجتهاد، اندیشمندان اسلامی تلاش می‌کنند با به‌کارگیری اسلوب معین و مشخصی به مسائل (به‌ویژه مسائل فقهی) پاسخ دهند. امروزه کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی در زمینه روش‌شناسی اجتهاد تألیف شده است که می‌تواند در فهم این روش مفید باشد.^۱ در پژوهش‌های اسلامی، شناخت اسلوب و منابع اسلامی بسیار مهم است. همه می‌دانند که ادیان الهی با فراخوانی عقل و تفکر،^۲ بر «متن‌محوری» تأکید دارند؛^۳ یعنی بر مبنای میراث فرهنگی و علمی به‌جامانده از سوی خداوند و اولیاءالله که در «کتاب و سنت» به‌جا مانده است، می‌توانند تفکر کنند و دیدگاه الهی را بیابند. مجموعه آموزه‌های دینی به‌طور عام عبارت‌اند از: کتاب؛ سنت؛ عقل و اجماع. کتاب و سنت دو منبع اساسی و بنیادی هستند که شریعت، آموزه‌های خود را از آن طریق برای پیروان خود بیان کرده است.^۴ این آموزه‌های مکتوب، فرازمانی بوده و در همه عصرها قابل‌بهره‌برداری است. این موضوع از آیاتی که بیان‌کننده خاتمیت نبوت پیامبر اکرم (ص) است؛ قابل‌استنباط است.^۵

۱. برای مطالعه بیشتر ر. ک. مجله علمی - پژوهشی روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۴۹، ۱۳۸۵، ص ۶
۲. در آیات متعدد قرآن کریم مردم به تعقل و تفکر فراخوانده شده‌اند. خداوند متعالی حتی در یک آیه از بندگان نخواستند تا کورکورانه به او و آنچه از جانب اوست ایمان بیاورند یا ندانسته در راهی قدم نهند (برای مطالعه بیشتر ر. ک. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی التفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۵۵). وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (سوره نحل، یه ۴۴). هو این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی و امید که آنان بیاندیشند. در این آیه خداوند ارزش نزول قرآن را با تفکر لازم دانسته است.
۳. منظور از متن‌محوری این است که دین از نظر منابع عبارت است از: مجموعه‌ای مکتوب و نوشتاری که شامل نقل وحی و سنت معصومان است (حسنی و علی‌پور، ۱۳۸۶، ص ۱۰). مهم‌ترین منبع استخراج آموزه‌های دینی قرآن کریم و کتبی است که در آن‌ها روایات معصومین (سلام‌الله‌علیهم اجمعین) درج شده است. در رأس این کتب نزد شیعیان کتب اربعه قرار دارد (اصول کافی، استبصار، من لایحضره الفقیه و تهذیب).
۴. بر اساس مستندات دینی منابع اسلامی در قرآن کریم و سنت معصومین (علیهم‌السلام) درج شده است. منظور از سنت، گفتار، تقریر و کردار پیامبر و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) است. نبی گرامی اسلام حضرت محمد (ص) فرمودند: «انی تارک فیکم ثقلین کتاب الله و عترتی». من دو گرانسنگ برای شما وامی‌گذارم: کتاب خدا و عترتم. تفصیل این موضوع را در کتاب ذیل ببینید. سبحانی، جعفر، السیره المحمدیه (ص)، مؤسسه الامام الصادق (ع)، قم، ۱۴۲۰ق، ص ۲۴۵.
۵. در این زمینه آیات متعدد قرآن کریم بر موضوع خاتمیت دلالت دارند. در صریح‌ترین آیه خداوند می‌فرماید: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ» (احزاب، آیه ۴۰). محمد (ص) پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست ولی رسول خدا و ختم‌کننده و آخرین پیامبران است.

برای بهره‌مندی از دین اسلام، روش استنباطی با عنوان «اجتهاد» نیز با هدایت و راهنمایی ائمه معصومین (س) به کار گرفته می‌شود. با شیوه اجتهاد می‌توان آموزه‌های دینی را شناخت و برای مسائل و مشکلات بشری راه‌حل شناسایی کرد. مسلمانان هنگامی که این امکان را نداشتند که از معصومین (ع) به‌طور مستقیم مسائل و مشکلات فقهی را بپرسند، به امر آنان باب اجتهاد را گشودند. چنانکه در تاریخ نقل شده است هنگامی که امیرالمؤمنین (ع) قثم بن عباس را به‌عنوان فرماندار مکه برگزید، به وی فرمود: «أَفْتِ الْمُسْتَفْتَى وَ عَلِّمِ الْجَاهِلَ». استفتاکننده را فتوا ده و جاهل را تعلیم ده (ابن الاثیر، ۱۴۰۹ق.). «اجتهاد» را استخراج و استنباط حکم شرعی از طریق دلیل‌های تفصیلی معنا کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵)؛ به عبارت دیگر اجتهاد عبارت است از: تلاش روشمند علمی برای دستیابی به نظر خداوند متعال (جواهری، ۱۳۸۱).

شیوه اجتهاد از قرن چهارم هجری قمری به شکل نظام‌مند سامان یافت و روند رو به رشد آن ادامه دارد. مبنای این شیوه «مسئله‌محوری» است؛ یعنی هنگامی که مسلمانان با مسئله‌ای مواجه می‌شدند، با تبیین موضوع برای فقیه، از وی می‌خواستند که نظر اسلام را درباره آن جست‌وجو کرده و بیان کند. فقها نیز بر اساس مقدمات اجتهاد به استنباط حکم از منابع اسلامی می‌پرداختند. این تلاش علمی «اجتهاد» نامیده می‌شود. اجتهاد، وظیفه بسیار حساس و اساسی بر عهده دارد و از شرایط امکان‌جدیدماندن اسلام است. اجتهاد را به‌حق می‌توان نیروی محرکه اسلام خواند (مطهری، ۱۳۸۱). با توجه به کارایی این شیوه پژوهش در استنباط احکام الهی و همچنین با عنایت به پیشینه این شیوه پژوهش و گستردگی دانش تولیدشده در این زمینه، می‌توان آن را به‌گونه‌ای توسعه داد که در علوم انسانی نیز به کار آید؛ به عبارت دیگر بر اساس قواعد آن می‌توان شرایطی را فراهم کرد که دیدگاه اسلامی را در حوزه علوم انسانی استنباط کرد؛ یعنی می‌توان با بهره‌گیری از قواعد «اجتهاد» که برای کشف احکام فقهی به کار رفته است، دست به «اجتهاد» زد و از این راه دانش مدیریت اسلامی را از متون دینی کشف کرد.

روش اجتهاد در مدیریت اسلامی. مدیریت اسلامی به‌عنوان یکی از دانش‌های علوم انسانی نیازمند روش است. روش اجتهاد که برای استنباط مسائل فقهی به کار می‌رود، این توانایی را دارد که برای استنباط مسائل مدیریت و سازمان مشابه‌سازی شود. با استفاده از روش اجتهاد می‌توان روش استخراج گزاره‌های موردنظر را از متون دینی به‌دست آورد (بستان، ۱۳۹۲). کسب توان اجتهاد علمی در مدیریت، نیازمند تلاش علمی و شناخت منابع، ابزارها، شرایط و غیره است. به‌طور طبیعی داشتن استعداد و تلاش بیشتر در این زمینه می‌تواند این توان را ارتقا دهد. اندیشمندانی که در زمینه مدیریت اسلامی پژوهش می‌کنند باید علاوه بر آشنایی و تسلط نسبت به روش‌های پژوهش کمی و کیفی رایج در دانش مدیریت، نسبت به روش‌های پژوهش در

اجتهاد مدیریت نیز اطلاع دقیقی داشته باشند. تا بر اساس آن بتوانند از آیات قرآن کریم و روایات معصومین (س) برداشت‌های مدیریتی خود را ارائه کرده و در قالب‌های کاربردی به مدیران ارائه کنند. از آنجاکه کنش‌های انسانی دارای ابعاد ظاهری و باطنی است، نباید خود را محدود به یک روش کرد و باید بتوان برای استخراج مدیریت اسلامی، به تناسب مسئله، هم از روش‌های کمی و هم از روش‌های کیفی (روش اجتهاد نیز یکی از روش‌های کیفی است) بهره برد (شریفی، ۱۳۹۳).

در تعریف اجتهاد که در لغت به معنای «سخت‌کوشی» آمده است (التحقیق، ۱۳۷۴ ج ۲ «جهد»)، گفته شده است: «تلاشی علمی و روش‌مند برای استنباط و استخراج حجت بر وظایف شرعی مربوط به موضوعات و پدیده‌های فرعی، بر اساس اصول و قواعد و منابع شرعی و عقلی است» (مطهری، ۱۳۸۱) یا گفته‌اند: «نیروی علمی پایدار که به کمک آن بتوان تحصیل احکام شرعی کرد». برای اجتهاد دو عنصر اساسی نیاز است: ۱. آشنایی کامل به مدارک و قواعد استنباط؛ ۲. بهره‌گیری صحیح از قواعد و مدارک و تطبیق آن‌ها بر مصادیق (قلی‌زاده، ۱۳۹۱). با بهره‌گیری از مفهوم اجتهاد مصطلح در فقه، می‌توان کاربرد آن را در علوم اجتماعی، به‌ویژه دانش مدیریت، بررسی کرد. از آنجاکه در بررسی علوم اجتماعی و دانش مدیریت اسلامی در پی کشف احکام شرعی نیستیم، بلکه به دنبال سازگاری یافته‌های مدیریتی با آموزه‌های اسلامی هستیم، باید تعریف کاربردی و مدیریتی از «اجتهاد» ارائه شود. به گونه‌ای که بتوان بر اساس آن مسائل مدیریت را به صورت دقیق مورد مداخله قرار داد. «اجتهاد» در مدیریت را می‌توان چنین تعریف کرد: «کوشش علمی روشمند در منابع معتبر دینی با استفاده از ابزار و عناصر لازم برای تفهیم، اکتشاف و استخراج آموزه‌های مدیریت اسلامی به گونه‌ای که از اعتبار برخوردار باشد»^۱. به منظور تبیین واژه‌های کلیدی در این تعریف، به برخی نکات توجه شود:

الف) «کوشش علمی روشمند». روش اجتهادی نیازمند جست‌وجو و فحوص در منابع مکتوب و معتبر دینی است. این تلاش علمی بر اساس اصول مشخص و مبتنی بر دانش‌های پایه (ادبیات، منطق، اصول فقه و غیره) انجام می‌شود و مبتنی بر تعقل است (مطهری، ۱۳۸۱)؛ یعنی با تفسیر و تحلیل‌های عقلی به نتیجه می‌رسد. دستاورد این روش با دیگر آموزه‌های دینی یکپارچه است و یک منظومه معارفی را تشکیل می‌دهند.

ب) «منابع معتبر دینی». حیطة پژوهش در اجتهاد منابع معتبر دینی قرآن کریم، سنت معصومین (س)، اجماع و عقل است. در کنار منابع اصلی، منابع دیگری نیز در درجه پایین‌تر وجود دارند که

۱. این تعریف با استفاده از دیدگاه مطرح شده در این مقاله تدوین شده است: حسنی و علی‌پور، سید حمیدرضا و مهدی، روش‌شناسی اجتهاد و اعتبارسنجی معرفتی آن، فصلنامه حوزه و دانشگاه، سال سیزدهم، شماره ۵۰، ۱۳۸۶، ص ۹-۴۲.

می‌توانند مورد استناد قرار گیرند. مانند بنای عقلاء، عرف، شهرت و غیره (قافی و شریعتی، ۱۳۹۲). اعتماد به پژوهش‌های تجربی نیز بر اساس همین دسته از منابع است.

ج) «ابزار و عناصر لازم». ابزار و عناصر لازم برای فعالیت اجتهادی، یعنی در نظر داشتن و پذیرفتن همه پیش‌فرض‌های ضروری در استنباط اجتهادی (مانند دین برنامه‌زندی، مکتوب‌بودن آموزه‌های اصیل، عصمت معصومین، ثابت‌بودن محتوای دین)^۱ و استفاده از تمام دانش‌ها مورد نیاز است (ادبیات، رجال، درایه، منطق و غیره)؛ چنانکه بهره‌مندی از توان تشخیص مصالح اجتماعی (درک زمان و مکان) نیز بخشی دیگر از زمینه‌سازی استنباط و کشف مفاهیم دینی را فراهم می‌کنند (معرفت، ۱۳۷۴: ۱۴).

د) «تفهم، اکتشاف و استخراج». اجتهاد یک فعالیت تفهیمی است؛ یعنی پژوهشگر باید بتواند موضوع را به‌طور کامل درک و فهم کند؛ سپس بتواند به اکتشاف لایه‌های پنهان معنایی دست یابد. پژوهشگر با تلاش علمی خود، سعی می‌کند موضوع را خوب بفهمد و بعد از اشراف به ابعاد موضوع می‌تواند دیدگاه اسلام را استخراج کند (حسنی و علی‌پور، ۱۳۸۶).

ه) «اعتبار». هر پژوهش علمی نیازمند اعتبار و اصالت است؛ یعنی باید بتواند حقیقت‌نمایی کند. کشف اجتهادی نیز باید به اصالت مطلب و کسب اطمینان از اطلاعات ساخته دست پژوهشگر منجر شود. در رویکرد اجتهادی، پژوهشگر درصدد است که کشف خود را به اسلام نسبت دهد؛ از این‌رو باید گزاره خود را از هرگونه اشتباه دور سازد و از تفسیر به رأی نیز بر حذر باشد. گزاره‌هایی شایستگی نسبت‌دادن به اسلام را دارند که بر اساس مبانی اسلامی استخراج شوند و حکایت‌کننده حقیقت اسلامی باشند (مطهری، ۱۳۸۱).

منابع اجتهاد علمی. بعد از آشنایی با مفهوم اجتهاد، به تشریح و تبیین منابع اجتهاد در مدیریت و جایگاه آن در بررسی و پژوهش علمی پرداخته می‌شود. اساساً هر علمی دارای منابعی است. پژوهش همیشه حرکت از معلومات به سمت مجهولات است. آغاز پژوهش بدون «منبع» امکان‌پذیر نیست. برای مثال، در علوم تجربی از حس به‌عنوان منبع استفاده می‌شود. در علوم عقلی نیز دو منبع مورد استفاده است: عناصر بنیادین عقلی و داده‌های حواس. چنانکه «دلیل» امور اسناد داده‌شده به منبع است که اگر شروط لازم و کافی را دارا باشند، نتیجه خواهند بود و نتیجه را تأیید خواهند کرد؛ از این‌رو همواره «دلیل‌ها» را با «منبع» می‌سنجند و تأیید یا تکذیب می‌کنند (حسنی و علی‌پور، ۱۳۸۶). استنباط آموزه‌های علوم اسلام نیز بر اساس منابع پذیرفته‌شده در اسلام صورت می‌گیرد. روش‌های پژوهش متأثر از منابع پژوهش هستند. هنگام

۱. برای مطالعه بیشتر ر. ک. گروه نویسندگان (زیر نظر استاد محمدتقی مصباح یزدی)، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان، تهران، ۱۳۹۱، ص ۱۳۷ به بعد.

پژوهش در خصوص مدیریت اسلامی، با دو دسته منابع مواجه هستیم: دسته نخست، منابع مقدس که حاوی آموزه‌های خداوند (جل جلاله)، انبیاء عظام (علی نبینا و علیهم‌السلام) و ائمه معصومین (ع) است؛ دسته دوم، منابعی است که حاصل تفکر و تجارب بشر هستند؛ بنابراین می‌توان گفت که در مطالعات اسلامی، از نظر منابع پژوهش و قلمروی آن، با دو دسته از منابع مواجه هستیم. به تناسب تفاوت در منابع، روش پژوهش در هر یک از این دو نیز با هم متفاوت خواهد بود. آن دو عبارت‌اند از: روش‌های درون‌دینی و روش‌های برون‌دینی (بستان و همکاران، ۱۳۸۴). هر یک از این دو دسته منابع، ابزارها و کاربردهای متفاوتی دارند؛ هرچند ابزارهای هر یک از روش‌ها می‌توانند به روش دیگر نیز کمک کنند. روش‌های درون‌دینی و برون‌دینی، درهم‌تنیدگی فراوانی دارند و به کمک یکدیگر می‌توانند شناخت انسان را نسبت به پدیده‌ها گسترش دهند و تعمیق ببخشند. بررسی این دو روش برای فهم مسئله پژوهش مفید خواهد بود.

الف) روش‌های برون‌دینی

روش‌های برون‌دینی، شامل روش‌هایی است که مدیران و پژوهشگران مدیریت از منابع عقل و تجربه استفاده می‌کنند. این روش‌ها به این دلیل «برون‌دینی» نام‌گذاری شده‌اند که اعتبار و ارزش خود را به دین مستند نمی‌سازند (بستان و همکاران، ۱۳۸۴). هر انسانی، خواه مسلمان و یا غیرمسلمان، هنگام مواجه با این روش‌ها و دقت در آن‌ها می‌تواند این نتایج را بپذیرد. خصوصیت دیگر این روش‌ها این است که پذیرش آن نیازمند پایبندی و ایمان به محتوای دین نیست؛ یعنی بر اساس عقل سلیم قابل‌پذیرش است. در رأس روش برون‌دینی، «روش عقلی» قرار دارد که موردپذیرش همه است (مطهری، ۱۳۸۴).

رویکردهای کمی، رویکردهای کیفی و درنهایت رویکرد آمیخته که در دانش مدیریت به کار می‌روند، آموخته‌های مستقیم دینی نیستند؛ بلکه برآیند تجربه مدیران در طول سالیان متمادی هستند. نتایج این یافته‌ها ممکن است از منظر اسلامی پذیرفته‌شده تلقی شوند. چنانکه ممکن است برخی از یافته‌های آن موردپذیرش اسلام قرار نگیرد. در روش برون‌دینی، دو منبع مهم «عقل» و «تجربه»، با معنای خاصی وجود دارند که برای کاربرد آن‌ها در یافته‌های اسلامی لازم است شناخت دقیقی از آن‌ها صورت گیرد تا ارزش و جایگاه این دو منبع در آموزه‌های اسلامی مشخص شود.

معناشناسی عقل. «عقل» در لغت به معنای خرد و دانش است (دهخدا، ۱۳۷۳) و در اصطلاح دارای چند معنا است. در اصطلاح عام «عقل» در برابر «جنون» قرار دارد و قوه‌ای است که انسان به وسیله آن می‌تواند خیر و شر یا حق و باطل را از هم تشخیص دهد. «عقل» در اصطلاح

فلاسفه بیان‌کننده نیرویی است که انسان به کمک آن می‌تواند بخشی از حقایق هستی را بشناسد. پایه حقیقت‌نمایی ادراکات عقلی نیز «بدیهیات» است.^۱ عقل با استفاده از بدیهیات و به‌کارگیری قواعد عقلی که در دانش منطق به آن پرداخته‌اند، می‌تواند حقیقت را برای انسان نمایان کند. انسان توسط عقل می‌تواند قوانین کلی را ادراک کند و آن را بر موارد و مصادیق آن تطبیق دهد (المظفر، ۱۴۰۲). عقل به این معنا، سرمایه اصلی انسان است و او را از سایر حیوانات متمایز می‌سازد.

به‌کارگیری قواعد عقلی در تلاش‌های علمی می‌تواند به نتایج ارزشمندی بیانجامد؛ مانند رعایت قواعد ریاضی در محاسبات یا رعایت قواعد استنباط و استدلال در علم منطق و فلسفه. این‌گونه برداشتهای عقلی بیان‌کننده حقیقت بوده و مورد تأیید همه است. هنگامی که این قواعد نادیده گرفته شود، نتیجه نمی‌تواند بیان‌کننده حقیقت باشد؛ مانند اختلافاتی که دو حسابدار در محاسبه یک تراز مالی پیدا می‌کنند. آنان هر دو از شیوه عقلی استفاده کرده‌اند، اما به دو نتیجه متفاوت رسیده‌اند. در این حالت مشکل در قواعد ریاضی و حسابداری نیست؛ بلکه مشکل در به‌کارگیری نادرست قواعد حسابداری است.

دستاوردهای عقلی، هنگامی ارزشمند تلقی می‌شود و نزد مردم مقبولیت پیدا می‌کند که بر مبنای «عقل یقینی / قطعی» به‌دست آمده باشد؛ به‌عبارت‌دیگر بر اساس فرآیندهای مطرح در دانش فلسفه و منطق، به پشتوانه‌ی استدلال به‌دست آمده باشد. استدلال عقلی مورد پذیرش که در اصطلاح از آن به‌عنوان «مستقلات عقلیه» یاد می‌کنند، شامل مواردی است که همه اجزای گزاره بدیهی بوده یا با ادله عقلی اثبات شده باشند (مطهری، ۱۳۸۳).

گاهی اصطلاح «عقلی» در علوم انسانی در معنای خود به‌کار نمی‌رود؛ یعنی منظور بهره‌مندی از استدلال عقلی نیست؛ بلکه «پذیرش عمومی» را «عقلی» قلمداد می‌کنند؛ بنابراین هنگام به‌کارگیری واژه «عقلی»، «عقلانی» و «عقلانیت»، باید به‌طور دقیق منظور گوینده را دریافت که عقل به‌معنای «عقل یقینی» است یا پیروی از «دستاوردهای عادی فکر» انسان. اساساً در مبانی نظری رایج مدیریت بر سر این مطلب که مفهوم «عقلانی» چیست، توافق اندکی وجود دارد. برخی «عقلانیت»^۲ را مساوی «معنای علمی»^۳ در نظر گرفته و برخی دیگر آن را معادل «حساسیت دمکراتیک»^۴ دانسته‌اند (Kuruvilla, 2007)؛ به‌عبارت‌دیگر بیشتر کاربردهای

۱. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به طباطبایی، محمدحسین، نه‌یاب‌الحکمه، ص ۲۴۲، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۸.

2. Rationality
3. Scientific sense
4. Democratic sensitivity

عقلانیت، در دانش مدیریت، به معنای «عقل یقینی / قطعی» نیست و بیان کننده «مقبولیت» یا «احتمال قطعیت» است که به آن در اصطلاح «عقل ظنی / احتمالی» نیز می‌گویند.

مهم‌ترین منبع و کارآمدترین منبع برون‌دینی، عقل است (حسین‌زاده، ۱۳۹۰). دستاوردهای عقلی در صورتی مورد تأیید و تأکید اسلام است که بیان‌کننده عقلی یقینی / قطعی باشد.^۱ دستاوردهای عقلی را می‌توان به اسلام نسبت داد و مطمئن بود که آن دستاوردها در اسلام پذیرفته شده قلمداد می‌شود؛ البته این موضوع واضح است که استفاده مطلوب از این منبع، نیازمند بهره‌مندی از دانش‌های گوناگون است. دقیق‌ترین شیوه برای صیانت و بهره‌مندی از عقل، در دانش منطق و فلسفه بیان شده است.

از سوی دیگر دانش منطق می‌تواند ابزار مناسب تفکر و شناخت صحیح را با سیر از جزء به کل و یا سیر از کل به جزء در اختیار پژوهشگر قرار دهد. این دانش از روش‌های برون‌دینی پذیرفته شده است که برخی از دستاوردهای آن «یقینی» و برخی دیگر نیز «احتمالی» است. در این دانش پژوهشگر می‌تواند با استفاده از شیوه‌های ارائه شده، صیانت از تفکر خود را بیاموزد و در تفکر خود به خطا گام بردارد. الگوهای فرعی متعددی در دانش منطق، همانند قیاس،^۲ استقراء،^۳ و تمثیل،^۴ طراحی شده است که می‌تواند در تفکر صحیح و حقیقت‌یابی به انسان کمک کند.

معناشناسی تجربه. یکی دیگر از روش‌های مهم برون‌دینی برای شناخت پدیده‌های جهان، استفاده از روش تجربه است. تجربه در لغت به معنای آزمون و آزمودن (دهخدا، ۱۳۷۳) و در اصطلاح به معنای مشاهده مکرر توالی دو امر است؛ به گونه‌ای که برای ذهن یقین حاصل شود که بین آن دو امر رابطه علیت یا تلازم وجود دارد. روش تجربه، متکی بر حواس پنج‌گانه است.

۱. چنانکه خداوند متعال در قرآن کریم بارها مردم را به تعقل و تدبیر فرا می‌خواند. حتی کسانی را که سخنان گوناگون را می‌شنوند و از بهترین آن‌ها پیروی می‌کنند، می‌ستاید و آن‌ها را صاحبان خرد معرفی می‌کند: الزمر، آیه ۱۸: الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ.

۲. قیاس به معنای سیر از معلومات کلی به سمت معلومات دیگر (جزئی یا کلی) است؛ مانند «هر انسانی مخلوق خداست» و «هر مخلوقی نیاز به خالق دارد»؛ پس نتیجه می‌شود «هر انسانی به خالق نیاز دارد». محکم‌ترین شیوه استدلال این شیوه است.

۳. استقراء به معنای سیر از معلومات جزئی به یک معلوم کلی است. استقراء گاهی تام است و گاهی ناقص. استقراء ناقص مانند اینکه بگوییم حسن دیپلم دارد، حسین دیپلم دارد، مسعود دیپلم دارد و ...، پس همه‌ی پسرها دیپلم دارند؛ اما در استقراء تام همه موارد بررسی می‌شود. استقراء تام عملاً میسر نیست. استقراء ناقص از این جهت از اتقان کافی برخوردار نیست.

۴. تمثیل به معنای سیر از یک معلوم جزئی به معلوم جزئی دیگر از طریق مشابهت بین آن دو مورد جزئی است. مانند اینکه بدانیم علی باهوش است و علی برادر محمد است؛ پس نتیجه بگیریم که محمد هم باهوش است؛ زیرا با هم برادرند. این شیوه بیشتر بیان‌کننده احتمال است تا یقین.

انسان‌ها با بهره‌گیری از ابزارهای پنج‌گانه حسی به کسب تجربه و گشودن معارف جدید اقدام می‌کنند. معرفت‌های حسی، بخش قابل‌توجهی از دانش بشری را دربرگرفته‌اند. هرچند این ابزار برای اتقان خود نیازمند ابزارهای دیگر معرفتی است؛ اما خود نیز، به‌نوبه خود، می‌تواند راه‌گشای معرفت باشد. اندیشمندان اسلامی تجربه را معتبر و مفید یقین می‌دانند؛ البته مشروط بر آنکه حاکی از قانون علیت باشد؛ زیرا مشاهدات مکرر دو امر ممکن است ناشی از اتفاق باشد (دینانی، ۱۳۶۶). تتبعات و مطالعات تجربی یکی از منابع مهم شناخت پدیده‌های طبیعت است. پدیده‌های دارای زمان، مکان و حرکت که مادی هستند با حواس ظاهری، قابل‌درک می‌باشند. برای شناخت این پدیده‌ها، انسان‌ها با مطالعه تجربی می‌توانند نسبت به آن‌ها آگاهی یابند. شریعت مقدس اسلام نیز بخشی از دانش بشر را ناشی از این منبع می‌داند (مطهری، ۱۳۸۲). هر چه انسان‌ها تجربه بیشتری به‌دست آورند و آن را به کار گیرند، قدرت شناخت بیشتری کسب می‌کنند.

«روش تجربی» که امروزه در علوم انسانی، بسیار موردتوجه قرار دارد، بر پایه دانش منطق استوار است. در روش تجربی با مشاهده و آزمون موارد متعدد، یک قاعده استخراج می‌شود. درواقع در این روش سیر از جزئی به کلی صورت می‌گیرد و یک قانون استنباط می‌شود. روش تجربی از قواعد استقراء و تمثیل در دانش منطق، پیروی می‌کند. استقراء بر دو گونه است: استقراء تام و استقراء ناقص (المظفر، ۱۴۰۲).

استقراء تام، عبارت است از: بررسی همه موارد جزئی و ارائه حکم کلی؛ به‌عبارت‌دیگر یعنی از همه افراد جامعه پژوهش سؤال شود و حتی یک نفر نیز از نظرخواهی حذف نشود. مانند آنکه دیدگاه «همه کارکنان» سازمان در خصوص میزان رضایت از مدیر اخذ شود؛ درنتیجه یک حکم کلی می‌توان صادر کرد که برای مثال، «همه کارکنان» از مدیریت سازمان رضایت دارند یا ندارند. نوع دوم استقراء، «استقراء ناقص»، نامیده می‌شود که عبارت است از: بررسی موارد «معدودی از کارکنان» و ارائه حکمی کلی و جامع که شامل افراد بررسی‌نشده نیز بشود. چنانکه در مثال بالا، دیدگاه «جمعی از کارکنان» سازمان (برای مثال، یک سوم یا نیمی از کارکنان) را در خصوص میزان رضایت از مدیر، اخذ شود و حکم استنباط‌شده به «همه کارکنان» سازمان نسبت داده شود؛ درحالی‌که بخشی از کارکنان در نظرسنجی شرکت نکرده‌اند. بیشتر نظرسنجی‌ها و پژوهش‌های میدانی صورت‌گرفته در دانش مدیریت این‌گونه است.

در تمثیل نیز که به معنای سیر از یک معلوم جزئی به معلوم جزئی دیگر از طریق مشابهت بین آن دو مورد جزئی است (المظفر، ۱۴۰۲ ق.۰)، چنین اتفاقی می‌افتد؛ مانند اینکه بدانیم «علی» با هوش است و «محمد» برادر «علی» است؛ پس نتیجه بگیریم که «محمد» نیز باهوش است، زیرا با هم برادرند. این شیوه بیشتر بیان‌کننده احتمال است تا یقین. یا در مثال دیگر، اگر از

شرکت تولید محصولات خانگی الف، محصول باکیفیت خرید کردیم، بگوییم همه محصولات شرکت الف، باکیفیت هستند. روشن است که استقراء ناقص و تمثیل، هیچ‌گاه به‌تنهایی مفید یقین نبوده و بیان‌کننده واقعیت نیستند؛ زیرا همه افراد یا اجزای مورد مطالعه در پژوهش بررسی نشده‌اند. امروزه بخش قابل توجهی از پژوهش‌هایی که در دانش مدیریت و دیگر علوم انسانی صورت می‌گیرد و از آن به‌عنوان «تجربه» یا «علم» یاد می‌شود، از استقراء ناقص و تمثیل بهره می‌برند؛ بنابراین آموزه‌های تجربی دربردارنده‌ی «احتمال» هستند نه «یقین»؛ یعنی بیان‌کننده این موضوع هستند که «احتمالاً واقعیت چنین است»؛ درحالی‌که اگر استقراء تام به‌کار رود، می‌توان با اطمینان گفت: «یقیناً واقعیت چنین است».

باید دقت شود که هر پژوهش تجربی بیان‌کننده یقین نیست. از سوی دیگر نیز باید توجه داشت که در رتق وفتق زندگی عادی نیز مردم با «احتمال» گذران زندگی می‌کنند. کشاورزان به این احتمال که برداشت خوبی داشته باشند، زحمت کشت و داشت را می‌کشند و مدیران با این احتمال که بتوانند بهره‌وری بهتری داشته باشند، در خط تولید بازمهندسی می‌کنند. در همه این موارد، احتمال عدم موفقیت نیز وجود دارد.

نکته مهم در اینجا این است که روش‌های برون‌دینی، کاربردهای مشخص دارند و توانایی تبیین همه حوزه‌های مدیریت را ندارند. هنگامی که در حوزه پیش‌فرض‌های مدیریت و نظریه‌های مدیریت، تبیین پدیده‌های سازمان، طراحی و تبیین رسالت سازمان و غیره سخن گفته می‌شود، ابزار عقلی بیشترین نقش را ایفاء می‌کند. چنانکه هنگامی که نیازمند پژوهش‌های میدانی، نظیر شناسایی دیدگاه کارکنان، شناسایی نیاز بازار، راه‌کارهای افزایش تولید، شیوه افزایش فروش و غیره هستیم، ابزار تجربه بیشترین کاربرد را دارد؛ بنابراین هر یک از ابزارهای برون‌دینی در حیطه مشخصی کاربرد دارند و به‌طور کلی در بخشی از حوزه‌ها نیز کاملاً ناتوان هستند.

هنگامی که پژوهشگر درصدد است، نظر پیامبر اکرم (ص) را پیرامون سازماندهی بداند یا از پیشینه دانش مدیریت در صدر اسلام اطلاع یابد، باید به منابع نقلی و اسناد مکتوب مراجعه کند. در این پژوهش‌ها به‌کارگیری روش تجربی، ناکارآمد است. هنگامی که پژوهشگران می‌خواهند حکم اخلاقی یا فقهی برای اقدامات سازمانی بیابند، نمی‌توانند از «منابع برون‌دینی» استفاده کنند. استخراج و استنباط این‌گونه موارد نیازمند استفاده از «منابع درونی‌دینی» است.

بعد از بررسی معنا و مفهوم «عقل» و «تجربه»، این موضوع مشخص می‌شود که در آموزه‌های اسلامی، نوع خاصی از عقل و تجربه مورد پذیرش است و هر یک از این منابع کاربردهای ویژه‌ای دارند. بر این اساس در روش اجتهاد می‌توان با استفاده از روش برون‌دینی (عقلی و تجربی)، بخشی از پژوهش‌های مدیریت اسلامی را به نتیجه رساند و منظر اسلامی را

تبیین کرد. چنانکه باید توجه شود که این روش، تنها روش استنباط آموزه‌های مدیریتی نیست و نیازمند روش درون‌دینی نیز هستیم.

(ب) روش‌های درون‌دینی

روش‌های درون‌دینی شامل روش‌هایی است که مدیران با استفاده از منابع موردتأیید دین، به استنباط حقایق می‌پردازند. بهره‌مندی از منبع قرآن کریم، سنت معصومین (س) و اجماع در این بخش قرار دارد. مهم‌ترین منابع این بخش به‌صورت مکتوب است که بر اساس شیوه استدلالی موردبهره‌برداری قرار می‌گیرند. استنباط از منابع مکتوب دینی نیازمند روش‌های درون‌دینی است. روش درون‌دینی، علاوه بر توان توصیف و شناسایی پدیده‌ها، در برخی از موارد، دیدگاه ارزشی و هنجاری را نیز بیان می‌کند. در روش درون‌دینی، پژوهشگر به دنبال استنباط دیدگاه اسلام به‌طور مستقیم است.

پیش از این بیان شد که روش‌های درون‌دینی و برون‌دینی، درهم‌تنیدگی فراوانی دارند. روش برون‌دینی، پایه و اساس روش درون‌دینی را فراهم می‌کند. اعتبار و ارزش روش درون‌دینی به استدلال‌های عقلی مطرح‌شده در روش برون‌دینی است؛ به‌عبارت‌دیگر هنگامی که در روش درون‌دینی به آیات قرآن کریم و روایات معصومین (س) استناد می‌شود، یک پیش‌فرض عقلی پذیرفته شده است؛ یعنی ابتدا این موضوع باید روشن و قطعی شده باشد که آیات قرآن کریم و گفتار معصومین از فرد حکیم و دانایی صادر شده است که خطا و اشتباه در گفتار یا کردار او ممکن نیست و توجه به توصیه او ارزشمند است. چنین موضوعی در دانش کلام اسلامی، مورداثبات عقلی قرار می‌گیرد. «کلام»، دانشی است که بر پایه استدلال‌های عقلی استوار است. با تحکیم پایه‌های دانش کلام اسلامی^۲، راه برای استفاده از روش‌های درون‌دینی باز خواهد شد. در این دانش ثابت می‌شود که قرآن کتاب آسمانی است و کلمات آن عین حقیقت است. چنانکه پیامبر این دین هیچ دستوری را بر اساس هوی و هوس خود صادر نکرده است. خداوند می‌فرماید: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم، آیه ۴) و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید! آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست! بنابراین توصیه‌های نبی گرامی اسلام (ص) نیز بیان‌کننده حقیقت است و می‌تواند در زندگی برای انسان‌ها راهگشا باشد.

۱. بخشی از این استدلال‌های عقلی تحت عنوان مبانی و پیش‌فرض‌های فلسفی با عنوان هستی‌شناسی، مبانی الهیاتی، معرفت‌شناسی و غیره مطرح می‌شود.

۲. مهم‌ترین دستاورد دانش کلام اسلامی، کسب ایمان است. حقیقت ایمان را تصدیق یا تسلیم قلبی می‌دانند. تسلیم قلب مساوی است با تسلیم سراسر وجود انسان در برابر فرامین الهی. برای مطالعه بیشتر ر. ک. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۳۹۱.

پژوهشگران مدیریت اسلامی هنگامی که می‌خواهند از اجتهاد علمی در منابع درون دینی استفاده کنند، باید توانمندی لازم را در اختیار داشته باشند. منابع نقلی از دو دسته تشکیل شده‌اند: قرآن کریم و روایات معصومین (س). نحوه استفاده از این دو منبع، اندکی با هم متفاوت است. تفاوت در این است که متن قرآن کریم، بی‌شک از سوی خداوند است؛ اما روایات معصومین (س) که در کتاب‌های روایی جمع‌آوری شده، با کلمات افراد دیگر مخلوط شده است؛ از این رو باید با ابزار علمی، سیره را از ناسره تفکیک کرد. هنگام استناد به روایات، پژوهشگر باید به بررسی صحت صدور در منابع روایی، یعنی احادیث و فرمایش‌های انبیاء گرامی و ائمه اطهار (س) و تقریرهای این بزرگواران بپردازد تا اطمینان حاصل شود که این روایت و حدیث از معصومین (س) صادر شده است و گفتار شخص دیگری نیست. بدین جهت اندیشمندان از دانش‌هایی نظیر «رجال» و «درایه» استفاده می‌کنند. این دانش‌ها برای بررسی صحت استناد روایات به معصومین (س) و فهم دقیق آن مفید است.

بعد از بررسی صحت صدور و سلامت سند یک روایت، نوبت بررسی دلالت و مفهوم آن می‌رسد. این بخش از بررسی بین آیات قرآن کریم و روایات معصومین، مشترک است. در بررسی دلالت متون دینی، پژوهشگران تلاش می‌کنند این موضوع را دریابند که مفهوم برداشت‌شده در آیات و روایت، صحیح است یا خیر؟ دانش اصول فقه مهم‌ترین ابزاری است که پاسخ به این مسئله را در اختیار می‌گذارد. قواعد متداول در دانش اصول فقه به دو دسته اساسی تقسیم شده‌اند. در یک دسته قواعد «شناخت معنای واژگان» قرار می‌گیرند که با آن‌ها می‌توان به شناخت مدلول و منظور واژه‌ها پرداخت. در دسته دوم قواعد «شناخت مراد گوینده» قرار دارد که در این بخش تلاش می‌شود به مقصود و مراد گوینده دست یافت (مظفر، ۱۳۷۴: ۲۱).^۲

در استفاده از مفهوم آیات قرآن کریم و روایات معصومین شناخت مدلول و منظور گوینده بسیار مهم است. این شناخت با پذیرش این پیش‌فرض است که گوینده فرد حکیم و دانایی است و گفتار او در سعادت دنیا و آخرت انسان، تأثیر شگرفی دارد؛ بنابراین باید مراد و منظور گوینده را به دقت درک کرد. امروزه بخشی از تلاش‌های معرفت‌شناسان، مصروف این گونه بحث‌ها شده است که آیا می‌توان برداشتی غیر از مراد و منظور گوینده داشت. بر اساس آموزه‌های اسلامی،

۱. منظور از روایات، گفتار و کردار معصومین (س) است.
 ۲. در دسته نخست، به شناخت مدلول و منظور واژه‌ها پرداخته می‌شود. بررسی «مشتق»، نمونه‌ای از بررسی‌های دسته اول است که پژوهشگر نیازمند شناخت این موضوع است که واژه یا اسمی که در این آیه یا روایت، به کار رفته است، در چه نقشی ظاهر شده است، در نقش اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مکان و غیره. با استفاده از دانش اصول فقه می‌توان، معنای حقیقی کلمات را شناسایی کرد. در دسته دوم، هیئت جمله و مدلول استفاده شده از آن مورد توجه قرار می‌گیرد. اینکه مراد گوینده از یک جمله، وجوب امر (دستور) است یا وجوب استحبابی (توصیه)؛ بنابراین در این بخش تلاش می‌شود که به مقصود و مراد گوینده دست یافت.

آیات خداوند و فرمایش‌های اولیاء دین دربردارنده معنای عمیقی است که باید با تلاش و تفحص به آن‌ها دست یافت. هرچند فهم آیات و روایات ممکن است در لایه‌های متعددی قرار گرفته باشد، اما منظور معین و واحدی از آن‌ها در نظر است که شنونده باید با تلاش علمی آن را بیابد. حرکت در این فرآیند روشی، امکان تحلیل و تفسیر متن را برای پژوهشگر فراهم می‌کند. این روش به پژوهشگران مدیریت اسلامی این امکان را می‌دهد که بتوانند برداشت مناسبی از منابع اصیل اسلامی داشته باشند و بر اساس آن بتوانند دستاورد پژوهش خود را به اسلام نسبت بدهند. پژوهشگرانی که نمی‌توانند به‌طور مستقیم از این منابع استفاده کنند باید از افراد متخصص در این زمینه بهره ببرند.

۴. تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

کاربست اجتهاد در مدیریت اسلامی. همان‌گونه که بیان شد، دو دسته منبع در اجتهاد مدیریت اسلامی، کاربرد دارند و می‌توان بر اساس آن، پژوهش‌های مدیریت را به انجام رساند. از آنجاکه رویه‌های انتخابی پژوهشگر برای انجام پژوهش با مبانی فلسفی پژوهشگر پیوند تنگاتنگی دارد (Creswell, 2005)، پژوهش‌گران اسلامی نیز در پژوهش‌های خود با تأثیرپذیری از مبانی فکری و فلسفی، نقش گسترده‌ای برای منابع برون‌دینی و درون‌دینی در نظر می‌گیرند. نادیده گرفتن هر یک از این منابع، بخش قابل توجهی از داده‌های هستی و معرفتی را از دسترس بشر خارج خواهد کرد؛ زیرا برخی از نتایج این روش‌ها (مانند روش‌های درون‌دینی)، در دسترس شیوه‌های دیگر نیست؛ از این رو روش پژوهش در «اجتهاد مدیریت اسلامی» برخاسته از منابع اسلامی و دستاوردهای آن متناسب با آموزه‌های آن خواهد بود.

بر این اساس می‌توان یک مدل پیشنهادی برای کاربرد اجتهاد در دانش مدیریت به شرح زیر ارائه کرد. در این مدل می‌توان در ده گام به یافته‌های مدیریت اسلامی دست یافت:

۱. طرح پرسش پژوهش. هر پژوهش علمی بر اساس یک پرسش شکل می‌گیرد؛ برای مثال، پرسش از ماهیت یک پدیده، از چگونگی یک پدیده، از نتایج و آثار یک پدیده و غیره. در دانش مدیریت اسلامی نیز پژوهشگران پرسش‌های فراوانی را می‌توانند مطرح کنند.
۲. مرور بر مبانی نظری موضوع در مدیریت. بعد از طرح پرسش، مناسب است که پژوهشگر اسلامی با مراجعه به اسناد علمی پیشینه موضوع را در دانش مدیریت و در یافته‌های مدیریت اسلامی شناسایی کند. ممکن است این پرسش علمی دارای پیشینه علمی و پژوهشی باشد و پژوهش‌های گذشته در روند پژوهش مؤثر باشد. بررسی منابع دینی و یافته‌های اندیشمندان اسلامی در این حوزه می‌تواند مفید باشد.

۳. بررسی پیش‌فرض‌های فلسفی و عقلی. یافته‌های علمی بر پایه پیش‌فرض‌های فلسفی و عقلی شکل می‌گیرند. با دگرگونی در این پیش‌فرض‌ها به‌طور منطقی، یافته‌ها نیز دگرگون می‌شوند؛ از این رو ممکن است برخی از پاسخ‌های مطرح‌شده متکی به پیش‌فرض‌هایی باشد که از نظر آموزه‌های اسلامی مردود تلقی می‌شود. در این میان بررسی پیش‌فرض‌های انسان‌شناسی از منظر اسلام بسیار مهم و ارزشمند است.

۴. پژوهش با روش‌های برون‌دینی. پرسش پژوهش در این مرحله با روش‌های عقلی و تجربی مورد‌مذاقه قرار می‌گیرد. با بررسی تلاش‌های علمی دیگران در این زمینه و انجام دقت‌های عقلی تلاش می‌شود که پاسخ مناسب برای پرسش پژوهش شناسایی شود. استفاده از استدلال‌های عقلی و بهره‌گیری از تجربه (به شکل صحیح) می‌تواند کارگشا باشد.

۵. پژوهش با روش‌های درون‌دینی. برای یافتن پاسخ مناسب از پرسش پژوهش، از منظر اسلامی باید منابع دینی را در این خصوص مورد‌مطالعه قرار داد. با بررسی قرآن کریم و روایات معصومین (س) ممکن است پاسخ‌هایی را برای پرسش پژوهش به‌دست آورد. استنباط از این منابع باید با رعایت نکات پیش‌گفته باشد تا از هر گونه کج‌فهمی و التقاط به دور باشد. بررسی در روش‌های برون‌دینی و درون‌دینی ممکن است به‌طور هم‌زمان یا مترتب بر دیگری صورت گیرد.

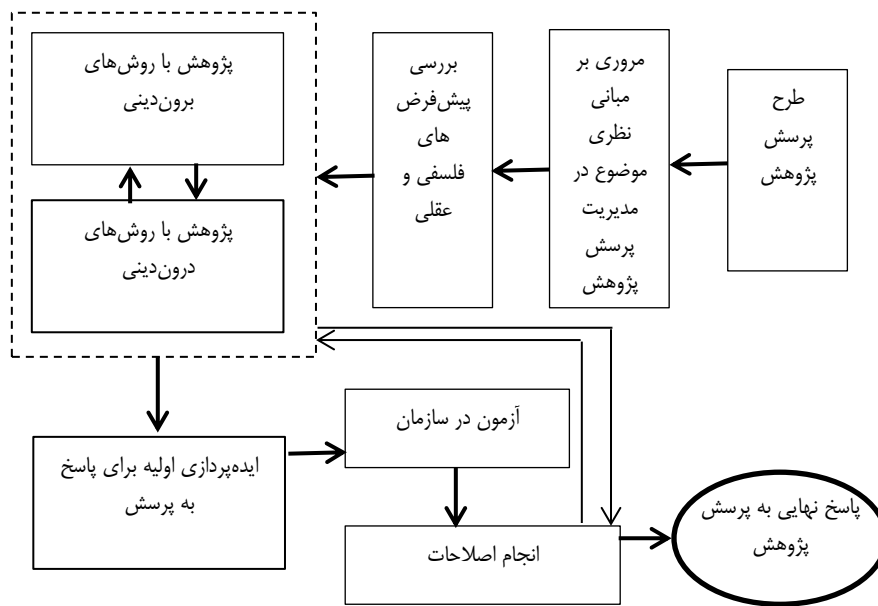
۶. ایده‌پردازی اولیه برای پاسخ به پرسش. پس از پژوهش با روش‌های برون‌دینی و درون‌دینی می‌توان به جمع‌بندی رسید و پاسخی برای پرسش در حوزه مدیریت ارائه کرد. این پاسخ به‌عنوان یک پیشنهاد و ایده مطرح است.

۷. آزمون در سازمان. پاسخ اولیه نسبت به پرسش‌های مدیریتی نیاز به آزمایش در سازمان و دریافت بازخور دارد. دانش مدیریت یک دانش نظری و عملی است. یافته‌های کارساز در این دانش نیازمند سربلندی از صحنه عمل هستند. این یافته‌ها باید در چارچوب سازمان اسلامی قرار گیرد؛ از این رو مشاهده عوارض و تبعات آن به بهبود آن کمک خواهد کرد.

۸. انجام تعدیلات. بعد از به‌کارگیری در صحنه عمل، مناسب است که بازخورهای مناسب این ایده، جمع‌آوری شده و مجدداً در پهنه روش‌های برون‌دینی و درون‌دینی بررسی شود و بر اساس آن تعدیلات مناسب صورت گیرد.

۹. پاسخ نهایی به پرسش پژوهش. یافتن پاسخ نهایی و نسبت‌دادن آن به اسلام، نیازمند دقت و توجه کامل به روند و محتوای پژوهش است. گاهی ممکن است که آزمون ایده اولیه در چند نوبت صورت گیرد تا اطمینان مناسب از آن حاصل شود.

همه گام‌های روش اجتهاد در مدیریت اسلامی را می‌توان در نمودار ۱، مشاهده کرد.



نمودار ۱. گام‌های اجتهاد در مدیریت اسلامی

همان گونه که به کارگیری رویکردهای کمی و کیفی توسط پژوهشگران نیازمند کسب آمادگی‌های لازم است، به کارگیری روش اجتهادی نیز دارای شرایط و الزاماتی است. پژوهشگر برای شناسایی گزاره‌های جدید باید توان علمی شایسته‌ای در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی داشته باشد. از آنجاکه پژوهشگر درصدد است از منابع دینی استفاده کند، علاوه بر توانمندی علمی، نیازمند کسب طراز مطلوبی در معنویت نیز است. پژوهشگر حوزه‌های اسلامی نیازمند است که با کنترل نفس و سیر در مراحل تقوای الهی، زمینه‌های دریافت نور الهی و فهم آموزه‌های اسلامی را در خود فراهم سازد. کسب معنویت و تقید به انجام واجبات و ترک محرّمات، زمینه‌ساز فهم بهتر از آموزه‌های اسلامی است؛ البته این موضوع نیز آشکار است که توانایی اجتهاد دارای مراتبی است. ممکن است فردی دارای توانایی بسیار بالا باشد و بتواند در حوزه‌های مختلف علمی به استنباط بپردازد و در برابر او فردی باشد که توانایی دارد فقط در یک حوزه علمی به استنباط و اظهار نظر بپردازد.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به مطالب پیش گفته، این موضوع واضح است که در جامعه اسلامی به‌منظور شکل‌گیری سازمان‌های در طراز اسلامی، سازگاری سازمان‌ها با آموزه‌های اسلامی ضروری

است. این سازگاری نیازمند همسانی بین پدیده‌های سازمانی و آموزه‌های دینی است؛ از این رو پژوهشگران مدیریت اسلامی باید بتوانند از منابع اسلامی به نحوه شایسته‌ای استفاده کنند. ویژگی‌های استنباط از متون دینی، به گونه‌ای است که پژوهشگر باید نسبت به برخی از علوم آگاهی داشته باشد و با شیوه مناسب به استنباط بپردازد. استنباط در منابع دینی که با نام «اجتهاد» شناخته می‌شود، تنها برای استنباط احکام شرعی نیست؛ بلکه می‌توان با روش اجتهاد، آموزه‌های مدیریتی را نیز استخراج کرد. بر اساس این روش، پژوهشگران می‌توانند پدیده‌های سازمان را هم از روش‌های برون دین ی که با استفاده از تجربه‌های افراد و تحلیل‌های عقلی حاصل شده است، به دست بیاورند و هم از روش‌های درون دینی که متکی به منابع متنی همانند قرآن کریم و کتب روایی است، استنباط کنند. بر همین اساس می‌توانند نسبت به بررسی پدیده‌های مختلف سازمان، همانند خط‌مشی‌گذاری، رفتار سازمانی، منابع انسانی و غیره به پژوهش بپردازند و دیدگاه اسلام را استخراج کنند. همان‌طور که تحلیل‌های تفسیری و روایی ارزشمند هستند، استنباط‌های تجربی و عقلی بشر نیز ارزشمند است و در حوزه‌های مدیریت اسلامی کاربرد خواهد داشت.

هنگام شناسایی دیدگاه اسلامی در خصوص یک پدیده‌ی مدیریتی یا سازمانی می‌توان بر اساس نه گام پیشنهادشده در این پژوهش به پاسخ قانع‌کننده‌ای رسید و آن را به‌عنوان دیدگاه دینی قلمداد کرد؛ البته این موضوع واضح است که مطرح‌شدن یک ایده به‌عنوان دیدگاه مدیریت اسلامی به‌معنای دست‌یافتن به یک ایده‌ی قطعی و غیرقابل‌خدشه نیست. مطالعه و پژوهش در زمینه آموزه‌های اسلامی، همانند دیگر پژوهش‌های علمی، ممکن است با تعمیق و بازبینی، به یافته‌ها جدید منجر شده و این امر موجب تکامل یا اصلاح ایده مدیریت اسلامی شود.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر.
۲. ابراهیمی دینانی، غلامحسین، (۱۳۶۶). قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی، تهران.
۳. ابن الاثیر، علی بن محمد (۱۴۰۹ق). اسد الغابه فی معرفه الصحابه. قم: دارالفکر.
۴. بستان، حسین، (۱۳۹۲). گامی به سوی علم دینی، (جلد دوم). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۵. بستان، حسین و همکاران (۱۳۸۴). گامی به سوی علم دینی، (جلد اول). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. جواهری، محمدرضا (۱۳۸۱). اجتهاد در عصر ائمه معصومین علیهم‌السلام. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۷. حسنی، سید حمیدرضا و علی پور، مهدی (۱۳۸۶). روش‌شناسی اجتهاد و اعتبار سنجی معرفتی آن. فصلنامه حوزه و دانشگاه، ۱۳(۵۰)، ۹-۴۲.
۸. حسین‌زاده، محمد (۱۳۹۰). نگاهی معرفت‌شناختی به وحی، الهام، و فطرت، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۹. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه، دانشگاه تهران.
۱۰. سبحانی، جعفر (۱۴۲۰ق). السیره المحمدیه (ص). قم: موسسه الامام الصادق (ع).
۱۱. شریفی، احمد حسین (۱۳۹۳). روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: آفتاب توسعه.
۱۲. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ترجمه موسوی همدانی، سید محمدباقر، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. عزیززی، شهریار (۱۳۹۵). روش پژوهش در مدیریت. تهران: سمت.
۱۴. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۲۱ق). تهذیب الوصول الی علم الاصول. تحقیق سید محمد حسین رضوی، لندن: منشورات المؤسسة الامام علی.
۱۵. فولادی، محمد (۱۳۹۳). جایگاه و قلمرو پژوهش کیفی. قم: عیار پژوهش در علوم انسانی.
۱۶. قلی‌زاده، احمد (۱۳۹۱). فرهنگ اصطلاحات اصول فقه. قم: تحسین.
۱۷. مصطفوی، حسن (۱۳۷۴). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ماده «جهد». ج ۲، ص ۱۲۸.
۱۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱). آشنایی با علوم اسلامی. قم: صدرا.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). عدل الهی. قم: صدرا.
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). مسئله شناخت. قم: صدرا.
۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). مجموعه آثار استاد شهید مطهری. قم: نشر صدرا.
۲۲. المظفر، محمد رضا (۱۴۰۲ق). المنطق. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۲۳. المظفر، محمدرضا (۱۳۷۴). اصول الفقه. قم: اسماعیلیان.

۲۴. معرفت، محمدهادی (۱۳۷۴). «نقش زمان و مکان در روند اجتهاد» مجموعه آثار کنگره ۲۵. بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی ره، قم، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). *دائرةالمعارف فقه مقارن*. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
26. Creswell, JW., (2005). Mixed methods research designs in counseling psychology. *Journal of Counseling Psychology*, 52(2), 224-235.
27. Kuruvilla, S.(2007) *seeking scientific sense and democratic sensibility*. london: University of London.

